



فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار

License Number: 80025 Article Cod: 2018Y2N5A8 ISSN-E: 6452-2588

تحلیل جزایی جرائم مربوط به فساد و فحشا

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۱۱/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۲/۲۰)

طاهره بهرامی

چکیده

جرایم فساد و فحشا پدیده‌ای بسیار پیچیده، چندبعدی، ناآشکار و تودرتوست که در جامعه ما به لایه‌های زیرین خزیده و به صورت گسترده در زیر لایه‌های عمیق نفس می‌کشد و به زیست خود ادامه می‌دهد. بدین گونه است که به ویژه در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود معطوف نموده و سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی را جهت مهار و کنترل به تکاپو واداشته است. تلاشی که تنها زمانی مثمرتر واقع می‌گردد که شناختی صحیح و عمیق از این آسیب اجتماعی حاصل شده باشد. هدف این مقاله رسوخ به بطن دنیای جرایم فساد و فحشا و دست یافتن به واقعیت ملموس تجربه زیسته آنان است به همین منظور با روش میدانی از مجرمین در بند و اشخاص عادی در این زمینه با دیدی درون‌نگر تحقیق به عمل آمد. روش نمونه‌گیری در دسترس است، ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه عمیق و تکمیل پرسشنامه و حجم نمونه ۲۰۰ نفر از جوانان و نوجوانان زندانی و غیر زندانی بودند. نتایج حاکی از درگیر شدن افرادی از قشرهای گوناگون جامعه در این پدیده است که این اختلاط و آمیختگی بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید. سبک زندگی بسیار متفاوت نوجوانان و جوانان، نوع متفاوت نگرش آنان به نیازهای زیستی، روابط اجتماعی و اعتقادات مذهبی، انحرافات جنسی‌ای که به طور روزمره ممکن است تجربه کنند از جمله مواردی است که از زندگی آنها جدا ناشدنی است. نقش شگرف خانواده در ورود و پیشروی آنان در وادی جرایم فساد و فحشا تلفیقی از نظریه کنترل هیرشی و پیوند افتراقی ساترلند و کرسی را به تأیید نشانند.

واژگان کلیدی: فساد و فحشاء، قوادی، مساحقه، لواط، جرایم منافی عفت



بخش اول: مفهوم جرایم فساد و فحشا

اندیشمندان معاصر گسترش روز افزون اعمال ضد اجتماعی به خصوص در قشر نوجوان را ناشی از تکامل وسایل ارتباط جمعی می‌دانند. (اوحدی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۲) این گروه معتقدند چون حس تقلید اطفال قوی است به تقلید از قهرمانان این گونه فیلم‌ها دست می‌زنند. آنها برای اثبات نظر خود به مقایسه جوامع شهری و روستایی پرداختند. در شهرها به دلیل نفوذ و گسترش بیش از اندازه سینما و تلویزیون، بزهکاری رواج دارد ولی در جوامع روستایی هنوز این پدیده، گسترش چندانی نیافته است اما با گذار از کلیات، قابل ذکر این است که انحرافات و جرایم جنسی در هر جامعه‌ای خارج از چارچوب شرع و قانون، از بدترین و مخرب‌ترین انحرافات به‌ویژه در میان جوانان به شمار آمده که تأثیر سوئی بر کانون خانواده می‌گذارد. واقعیت غریزه‌ی جنسی در وجود انسان انکارشده نیست؛ بلکه مستلزم تربیت و هدایت صحیح است. جرایم جنسی به عنوان یک پدیده اجتماعی معلول عوامل مختلفی است؛ به طوری که به کارگیری هر نوع اقدام پیشگیرانه در خصوص این جرایم مستلزم پی بردن به علل و زمینه‌های بروز آن در جامعه است. جامعه ایرانی در ادوار گذشته شاهد اشکال غیر رسمی فروش خدمات جنسی بوده است در عصر حاضر نیز شاهد افزایش دختران و زنانی هستیم که بدون انگیزه‌های صرفاً مادی اقدام به بی‌مبالاتی جنسی می‌کنند. انحرافات جنسی با اندکی تسامح و به زبان کیفی جرایم جنسی، تنها زنان و دختران را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه دامن‌گیر جنس مذکر عل‌الخصوص جوانان و نوجوانان نیز می‌باشد. این امر مستلزم اقدامات پیشگیرانه در ابعاد مختلف است و هر نوع اقدام پیشگیرانه مستلزم بررسی علل بروز انحرافات جنسی در ابعاد مختلف اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی و نیز زمینه‌های بروز این انحرافات در ابعاد خانوادگی و ریشه‌های فردی می‌باشند. از آنجا که برانگیختگی جنسی (که می‌تواند به یک جرم یا انحرافات جنسی تبدیل شود) از یک سو ریشه در عوامل اجتماعی، محیطی و تربیتی دارد و از سوی دیگر، وابسته به ویژگی‌های شخصی و شخصیتی خود فرد است، لازم است تمام علل و عوامل این پدیده در نظر گرفته شود. یکی از بزرگترین مشکلات بررسی رفتار



جنایی این است که هرگونه کوشش برای درک آن نیازمند شناخت گستره و وسیعی از شاخه‌های علمی است وبدون توجه به تمام جوانب موضوع وجایگاه آن در علوم مختلف وارتباط واژگان هر موضوع با مصادیق مشابه نمی‌توان به شناخت کاملی از آن مطلب دست یافت لذا در بدو امر لازم است تا تعاریف هر مورد را دریابیم وسپس به بررسی ویژگی‌های آن در هر مقام پردازیم بر همین مبنا این بخش به تعاریف وآشنایی با مصادیق جرایم وانحرافات جنسی وبررسی هر مورد به تفکیک اختصاص یافته است.

بخش دوم: سیاست جنایی تقنینی در مورد جرایم فساد و فحشا

بسیاری از جرایم جنسی برحسب کیفیت ارتکاب، برای اینکه بعنوان بزه قابل کیفر، شناسایی شوند مستلزم تحقق رابطه و تماس می‌باشد از این رو بسیاری از جرایم واقع در این گروه پس از کشف یا اساسا بدلیل عدم کفایت اعمال ارتكابی برای تطبیق در هر مورد جرم قلمداد نمی‌شوند و یا در زمره جرم عقیم قرارمی‌گیرد فرض در مورد بزه زنا، این بزه زمانی قابل تحقق است که توام با تماس و لمس بدن و فراتر از آن دخول به کیفیت مطرح صورت پذیرد. حال چنانچه احدی از مرتکبین برحسب فیزیکی بدنی و مشخصات جسمی قادر به دخول نباشد و این توانایی برای هر کدام از طرفین فراهم نباشد این جرم عقیم می‌ماند و ممکن است در زمره جرایم جنسی بدون رابطه و تماس قرار گیرد و یا اینکه علی‌رغم دخول مشمول جرایم جنسی نباشد مانند دخول بدون وجود شریک جنسی که می‌تواند مصادیقی از انحراف جنسی قلمداد گردد.

الف: زنا: زنا در قوانین موضوعه صرفنظر از کیفیت ارتکاب دارای اقسامی می‌باشد که قانونگذار ما دربخش دوم از کتاب حدود قانون مجازات اسلامی مباحث مربوط را ذیل یک فصل بیان نموده است و در نخستین ماده از این فصل (ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی) زنا را اینطور تعریف کرده است که (زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده وازمواردوطی به شبهه نیز نباشد)^۱ تعریف زنا درقانون مجازات اسلامی سابق شاید با این

^۱ - قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱۱ ماده ۲۲۱



اشکال روبرو بود که قید کلمه ذاتا باعث ابهام گردیده بود اگر منظور مقنن از ذاتا نبود علقه زوجیت می بود و این ملاک حرام بودن قلمداد می شد مقصود مقنن روشن بود اما ابهام اینجا بود که، شاید مقصود از ذاتا موردی باشد که حتی بطرق شرعی امکان ارتباط جنسی فراهم نباشد مانند زنا یا در محارم یا در مورد جمع دو خواهر و یا بهترین مصداق آن بتزویج در آوردن زنی که در علقه زوجیت یا عده دیگری است در صورتی که منجر به واقعه گردد که در این صورت این زن ذاتا بر آن مرد حرام موبد می گردد چه عالم به موضوع باشد یا نباشد که قانونگذار ما تنها در موردی که منجر به واقعه نگردد را بیان نموده است.^۱ و در صورت واقعه حتی رعایت صورت ظاهر عقد شرعی، حرمت را زائل نمی نماید به هر صورت این اشکال در قانون جدید اندکی مرتفع گردید. البته نکته دیگر اینست که هر چند زنا عملی طریفینی و باحضور زانی و زانیه انجام می گیرد لکن همیشه اینطور نیست که زنا بصورت جماع مردی با زنی باشد مطابق آنچه در تعریف قید شده است، چرا که در مواردی مانند اکراه، عنوان مجرمانه تنها در مورد یکطرف قابل اثبات است بنظر می رسد قانونگذار با ارائه تعریفی مصداقی تنها خواسته صورتی اجمالی از جرم را ترسیم کند و جزئیات موضوع را به فراخور اقتضا در مواد دیگر بصورت مجزا بیان نماید. علاوه بر آن قانونگذار دخول از دبر را نیز مشمول زنا دانسته است و در تبصره ۲ ماده ۲۲۱ در مقام بیان عناصر تشکیل دهنده جرم زنا برخلاف قانون سابق بلوغ، عقل و اختیار را شرط تحقق زنا ندانسته هر چند در ماده ۲۱۷ بصورت کلی اشاره کرده است در حالیکه قانون سابق عنوان می نمود که زانی و زانیه باید بالغ و عاقل و مختار باشند بعبارتی توانایی کنترل اعمال و رفتار خود را داشته باشند و هر امری که زمام را از دست مرتکب خارج کند و این بی اختیاری ناشی از زوال عقل باشد یا اجبار و اکراه، تحقق بزه زنا را مواجه با فقد عنصر روانی جرم می نماید قانونگذار در قانون سابق دو شرط دیگر را نیز در نظر گرفته که بنظر نگارنده دارای مختصات ویژه ای می باشد و آن بالغ بودن زانی یا زانیه بوده و علت اختصاصی بودن این شرط این است که در زمره هیچکدام از عناصر تشکیل دهنده بزه قرار نمی گیرد بنظر

^۱ - رجوع شود قانون مجازات اسلامی سابق ماده ۶۳ و ۶۴



می‌رسد قانونگذار اراده نموده با قید شرط بلوغ وصفی را برای زانی و زانیه در نظر بگیرد و مراد، ارائه معیار طفل ممیز از غیرممیز با قید کلمه بلوغ باشد چرا که مطابق ماده ۴۹ از قانون مجازات اسلامی سابق و تبصره ذیل آن طفلی که به بلوغ شرعی نرسیده باشد مبری از مسولیت کیفری است، آیا این بدان معنی است که زنایی رخ نداده یا اینکه ارتکاب بزه مسجل است ولی مورد از موارد رافع مسئولیت کیفری است، که بنظر می‌رسد با توجه به فایده عملی موضوع که در مورد طفل بزه‌کار تمهیداتی در نظر گرفته شده از جمله تنبیه، در بزه زنا با وصف فقدان بلوغ جرمی رخ نداده است و حتی طفل را نتوان تنبیه کرد و این شرایط اختصاصی جرم زنا می‌باشد که تمیز آن با ارائه معیار بلوغ شرط است از اینرو جرم زنا ی اطفال بالغ کمتر از ۱۸ سال بواسطه قوه تمیز و تشخیص مطابق تبصره ذیل ماده ۲۲۰ از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مانند افراد عادی در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود لازم به ذکر است قانونگذار در ماده ۲۱۷ از قانون مجازات اسلامی بطور کلی برای همه حدود شرایطی چون قصد، علم، شرایط مسولیت کیفری بیان کرده است. نکته دیگری که در بیان اوصاف زنا مطرح است زانی و زانیه به حکم و موضوع باید واقف باشند این مورد نیز از شرایط اختصاصی است چرا که اگر حکم را در معنای آگاهی به حرمت و مجازات قلمداد کنیم تنها مورد می‌باشد که با اصل آگاهی عموم از قوانین و مقرراتی که طبق تشریفات انتشار یافته منافات دارد و علی‌الظاهر در این مورد عدم اطلاع از حکم قابل پذیرش است همچنین شبهه در مورد موضوع بدین معنی که چه زمان می‌توان گفت عمل رخ داده زنا است. البته قانونگذار شبهه مصداقیه را با وصف اطلاع شخص از حکم و موضوع لازم ندانسته است بر همین مبنا تنها چنانچه مرتکب نداند عملی که انجام می‌دهد حرمت دارد و یا به حرمت آن آگاه باشد نداند این مقدار عمل زنا محسوب می‌شود یا خیر از نظر قانون این عمل زنا محسوب نمی‌شود. تعریفی که قانون ارائه کرده مطابق تعریف فقهی از زنا است که عنوان شده (الزنا هو ایلاج البالغ العاقل فی فرج امراء بل مطلق الانثی قبل او دبر امرمه علیه من غیر عقد نکاح بینهما ولا شبهه موجه لاعتقاد الحل



قدر الحشفه عالم بالتحريم مختارافی الفعل^۱ (زنا عبارت است از داخل شدن الت تناسلی مرد بالغ و عاقل در فرج زن و علی الطلاق جنس مونث بقدر حشفه از جلویا پشت در حالیکه بواسطه فقدان علقه زوجیت بر او حرام است و عالم به حکم حرمت و دارای اختیار در انجام عمل بوده و شبهه در موضوع و مصداق نداشته باشد. در این مقاله مقصود این نیست که تمام جزئیات هر بزه بیان شود چرا که هر کدام از این موارد خود بتنهایی مشتمل بر چندین بخش و فصل خواهد بود و بررسی مجزای طلبد لذا با این هدف مطالب بیان می‌شود که برای هر شخصی قابل فهم و رساننده معنا و مفهوم باشد بر همین مبنا در بیان ساده، زنا به رابطه جنسی نامشروع توأم با تماس و خارج از پیمان ازدواج و زناشویی گفته می‌شود یا عبارتی دیگر زنا به نزدیکی بین زن و مرد بدون ازدواج رسمی اطلاق می‌گردد. در گفتار عامیانه^۲ امروزی، مردی که مرتکب زنا شده است را زانی، و زن زناکار را زانیه می‌خوانند. در تمدن‌های بزرگ گذشته نظیر ایران باستان، روم، یونان، شبه جزیره عربستان در دوره پیش از اسلام، برای زنا تعاریف، تعبیر و حدود متفاوتی وجود داشته است. امروزه نیز در فرهنگ‌ها و ادیان و ملل مختلف برخوردهای متفاوتی با رابطه جنسی خارج از ازدواج می‌شود. زنا دارای اقسام مختلفی است که برای هر کدام از آنها کیفرها و حدود جداگانه‌ای در اسلام وجود دارد و مواردی که قانون مجازات بصراحه نام برده عبارتند از:

۱- زنا با محارم نسبی که بدان معنی است: مرد با یکی از زنهایی که جزو محارم نسبی وی هستند و ازدواج کردن با آنان حرام است، زنا کند. محارم نسبی مانند: مادر، خواهر، دختر، دختر خواهر، دختر برادر، عمه و یا خاله در ادامه، باید گفت که کیفر آن بنا بر نظر بعضی از فقها اعدام است، ولی مفاد بعضی از روایات این است که با شمشیر یک ضربه به گردن او بزنند و اگر زنده ماند او را در حبس نگه دارند تا بمیرد، و احوط رعایت این دستور است. حکم اعدام در زنا با زانی که بواسطه شیر خوردن محرم شده‌اند یا به سبب ازدواج محرم شده‌اند مانند

^۱ - شهید ثانی، تحریرالروضه فی الشرح المعه، تهیه کننده علیرضا امینی، سید محمد رضا آیتی، تهران، انتشارات سمت چاپ



مادر زن محل اشکال است، ولی نسبت به زن پدر جاری است. همچنین در این حکم فرقی نمی‌کند که مرد زنا کننده مجرد و یا متاهل باشد.^۱

۲- زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است باشد.

۳- زنا با غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است.

۴- زنا با عتف به معنای آن است که زنی به عمل زنا راضی نباشد و مرد با زور و ارباب و تهدید با او زنا کند و مجازات آن برای مرد زنا کننده «اعدام» است، هر چند احوط آن است که یک شمشیر به گردن او بزنند، گرچه نمیرد.^۲

۵- زنا با غیر محصنه: که به زنا بی گفته می‌شود که شخص زنا کار (زن یا مرد) فاقد همسر و مجرد باشد و به اختیار خود زنا کرده باشد. به زبان ساده تر به زنا با شخص مجرد، زنا با غیر محصنه گفته می‌شود.

مجازات زنا با غیر محصنه: در این نوع از زنا، کیفر شخص زنا کار در مرتبه اول یکصد ضربه شلاق است، و اگر سه مرتبه زنا کند و در هر مرتبه حد خورده باشد، کیفر او در مرتبه چهارم اعدام است. مرد را در حالی شلاق می‌زنند که ایستاده باشد، و نباید ضربات شلاق بر سر و صورت و عورت او وارد شود. اگر مرد را هنگام زنا برهنه یافته‌اند، جز عورت بقیه بدن او باید برهنه باشد و اگر با لباس یافته‌اند بنا بر احتیاط به هر نحو که او را یافته‌اند شلاق خواهد خورد. زن را در حالی شلاق می‌زنند که نشسته باشد و بدن او با لباس پوشیده باشد، و از شلاق زدن به سر و صورت او خودداری نمایند.

زنا با محصن و محصنه: به معنای آن است که شخص زنا کننده دارای همسر دائمی باشد به گونه‌ای که هر گاه بخواهد با همسر خود نزدیکی کند مانعی در کار نباشد و با این حال تن به زنا داده باشد. به زبان ساده‌تر اگر یک زن متاهل زنا کند، به زنا با آن شخص زنا با محصنه

^۱ - بنقل از سایت ویکی‌پدیا در تعریف زنا.

^۲ - رجوع شود قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۲۴.



گفته می‌شود و اگر زانی مرد باشد زانی محصن گفته می‌شود. مجازات زانی محصن در مورد مرد زناکاری که متاهل است، اگر پیرمرد است ابتدا یکصد ضربه شلاق و سپس سنگسار است، و اگر جوان است فقط او را سنگسار می‌کنند و بنابر احتیاط واجب شلاق نزنند، در مورد زن متاهل نیز همین حکم جاری است. اگر مردی که متاهل است و زن او در اختیار اوست اما هنوز با اوزناشویی نکرده، اگر این مرد با زنی زنا کند او را صد ضربه شلاق می‌زنند و سر او را هم می‌تراشند و به مدت یکسال او را از شهرش تبعید می‌کنند. ولی برای زن زناکار حکم تراشیدن سر و تبعید جاری نیست در قانون مجازات اسلامی جدید این موضوع اضافه شده چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد با پیشنهاد دادگاه صادرکننده رای قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه حکم رجم به اعدام تبدیل می‌شود.^۱

ب: لواط: عمل هم جنس بازی امروزه بیش از پیش سایه شوم خود را بر بشریت گسترانیده و رذایل شوم و تأسف باری را به وجود آورده است. در میان این همه جرائم، جرائم هم جنس بازی لواط یا هم جنس بازی مرد با مرد که یک نوع از آن دو نوع جرائم هم جنس بازی (لواط، مساحقه) می‌باشد در عصر حاضر آثار ننگین و مخربی را به بار آورده است. که می‌توان از آثار مخرب آن به وجود آمدن بیماری‌های خاصی از قبیل ایدز و سایر بیماری‌های مقاربتی نام برد. تحلیل و بررسی در مورد چنین جرائمی قابل توجه است چرا که این موضوع (هم جنس بازی) تا جایی پیش رفته که در کشورهای غربی این امر به صورت یک قانون در آمده و به عنوان عملی بهنجار پذیرفته شده است و برای آن قانون وضع گردیده است. طرفداران هم جنس بازی بر این امر توجه می‌کنند که رواج این عمل ناشایست به منظور جلوگیری از ازدیاد نسل و سقوط اقتصادی جامعه ضروری است.^۲

^۱ - قانون مجازات اسلامی مواد ۲۲۶-۲۳۲.

^۲ - شامیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی (جلد سوم) جرایم بر ضد مصالح عمومی کشور، انتشارات، ژوبین با همکاری انتشارات مجد، چاپ پنجم ۱۳۸۵ ص: ۵۱۸.



لواط که یکی از انواع انحرافات جنسی نیز، بواسطه عملی خارج از چارچوب محسوب می‌شود همواره در آیات و روایات مورد نکوهش قرار گرفته و قانون مجازات اسلامی نیز ابوابی از حدود را به بررسی این بزه شنیع اختصاص داده است. از جمله آیات قرآن در نکوهش عمل لواط می‌توان آیات ذیل است:

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (همانا شما به جای زنان، برای شهوت سراغ مردان می‌روید، بلکه شما قومی اسراف‌کارید).^۱

أَإِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (آیا شما با بودن زنان، برای غریزه‌ی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟ بلکه شما مردمی (نادان و) جهالت‌پیشه‌اید).^۲

در مورد روایات مطرح در این خصوص می‌توان به روایات ذیل اشاره نمود:

در حدیث ابوبکر حضرمی از امام صادق (ع) آمده است که رسول خدا (ص) فرمود:

خداوند مرد مفعول را در زندان جهنم حبس می‌کند تا از حساب خلاق فارغ شود، آن‌گاه فرمان می‌دهد او را در طبقات جهنم یکی پس از دیگری وارد کنند تا به پایین‌ترین طبقه وارد شود و هرگز از آن جا بیرون نمی‌آید.^۳

حذیفه بن منصور می‌گوید:

از امام صادق پرسیدم: لواط چیست؟ فرمود مابین الفخذین میان دو ران است. آن‌گاه پرسیدم: پس آن که دخول می‌کند چه؟ فرمود: ذاک الکفر بما انزل الله علی نبیه (ع) چنین کاری کفر ورزیدن به احکام الهی است.^۴

^۱ - قرآن مجید، سوره اعراف، آیه ۸۱.

^۲ - همان منبع، نمل، آیه ۵۵.

^۳ - حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۲۰، باب ۱۸ از ابواب نکاح محرم ح ۱.

^۴ - همان، باب ۲۰، از ابواب نکاح محرم، ح ۳.



در قانون مجازات اسلامی فصل دوم از بخش دوم از کتاب حدود به بزه لواط اختصاص یافته است و تعریف واحکام مربوطه بتفکیک بیان شده است و مواد ۲۳۳ تا ۲۳۷ از قانون مجازات اسلامی را دربر می‌گیرد. اول در ماده ۲۳۳ لواط اینگونه تعریف می‌شود: (لواط عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در دربر انسان مذکر است)^۱ در این تعریف چند شاخصه قابل بررسی است، یک مورد اینکه لواط اساساً به صورت فعل صورت می‌پذیرد نه ترک فعل مورد دیگر اینکه مفعول الزاماً باید مذکر باشد و اناث را دربر نمی‌گیرد از سویی لواط بر حسب فعل ارتكابی در دو نوع تقسیم‌بندی می‌شود و هر کدام احکام مختص به خود را به همراه دارد نکته دیگر اینکه بمانند بزه زنا که میزان دخول برای اثبات زنا شرط اساسی می‌باشد در این بزه میزان دخول شرط است و کیفیت آن بیان شده است همچنین همانطور که بیان شد قانونگذار در ماده ۲۱۷ شروط حدود را بطور کلی بیان کرده و قانونگذار در ماده ۲۱۱ از قانون مجازات اسلامی بصراحت استناد به علم قاضی را برای جاری کردن حدود کافی می‌داند و این امر بطور کلی بیان شده است در قانون جدید ماده ۱۲۰ از قانون مجازات اسلامی سابق در بحث لواط که بر این امر تاکید داشت را حذف نمود.

ج: مسأقه: انسان دارای دو بعد ملکوت و ناسوت است که مراتب این دو بعد شامل عقل و روح و غرائز و تمایلات می‌شود. شگفتی انسان در برخورداری از این دو بعد است، زیرا بین این دو بعد تضاد وجود دارد و هنرمندی انسان و سخت‌ترین کار در این دنیا تعادل بین ابعاد می‌باشد. به همین دلیل هیچ کدام از امیال و غرائز آدمی نباید سرکوب شود، بلکه باید کنترل شود. شهوت یکی از این غرایز است همانند غرایز دیگر، نه باید سرکوب گردد و نه آنکه بی‌هیچ محدودیتی پروبال داده شود. در تاریخ ملل و مذاهب، راه‌حلهایی برای ساماندهی این غریزه سازنده و در عین حال مخرب اندیشیده شده است. یکی از این راه‌حل‌ها که با هدف تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی خانوادگی است، پیروی از قواعد طبیعی تولید نسل است، زیرا انحرافات جنسی مخرب، بلکه عامل ویرانی فرهنگ‌ها و جوامع قلمداد می‌شود. چون انسان

^۱ - قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۳۳



موجودی اجتماعی بوده و هر اجتماعی از کنش‌های متقابل اجتماعی ساخته شده است. لذا هنجارهای اجتماعی، چگونگی روابط اجتماعی را معین می‌نمایند. هدایت‌گر ریزه شهوت در کانال قواعد تکوین شده در اجتماع، امری ضروری و خروج از آن مسیر، انحراف یا جرم جنسی تلقی می‌گردد که علاوه بر تزلزل بنیان‌های اخلاقی و دینی جامعه، اثرات مخرب بر جسم و روان فرد می‌گذارد.

مساحقه، یا هم‌جنس‌گرایی زنان، یکی از جرایم جنسی آنان به شمار می‌رود. شرع مقدس اسلام، مساحقه را جرم و برای آن مجازات حدی تعیین نموده است. مقنن هم به پیروی از شرع، وصف کیفی به عمل مساحقه اعطاء نموده و در حال حاضر ماده ۲۳۸ قانون مجازات اسلامی رکن قانونی این جرم را تشکیل می‌دهد. سحوق، بر وزن سنگ بوده از اینرو مساحقه معانی گوناگونی دارد، از جمله: جامه^۱ کهنه، ریزه ریزه کردن، کوبیدن، نرم کردن، ساییدن و پاک کردن^۱. و در اصطلاح حقوقی به عمل دو زن که از هم لذت جنسی می‌برند و با مالیدن آلت زنانه خود به هم شهوترانی می‌کنند^۲. درباره^۳ جرم مساحقه روایتی از امام علی (ع) امام اول شیعه نقل شده است که مساحقه در میان زنان مانند لواط در بین مردان است و لکن حد مساحقه صد ضربه تازیانه است، زیرا در مساحقه دخول نیست^۳ (السحوق فی النساء کاللواط فی الرجال لکن فیها جلد مائه^۴ لانه لیس فیها ایلاج) هر جرمی نیازمند رکن مادی است. رفتار فیزیکی، رکن مادی در هر جرم را تشکیل می‌دهد که عبارت از فعل یا ترک فعلی می‌باشد که از فرد بروز می‌کند لذا در تعریف «سحوق» آمده است: «الذی هو وطاء المرأة مثلها»، (مساحقه) و طی زن با زن دیگر است. چون عامل و معمول هر دو زن هستند، این عمل را نسبت به طرفین، مساحقه گویند. هر چند «سحوق» در قرآن کریم به صراحت مورد نکوهش قرار نگرفته است، اما مفسرین، اشاره^۵ این کتاب مقدس به «اصحاب رس» را صراحت در نکوهش «سحوق» دانسته اند. لکن روایات بسیاری در حرمت مساحقه نقل شده است. امام صادق (ع) در پاسخ به

^۱ - لغت نامه دهخدا، ذیل لغت سحوق.

^۲ - محمودی (عباسعلی)، «حقوق جزای اسلام»، نهضت زنان مسلمان، ص ۶۹.

^۳ - حرعاملی، وسایل الشیعه، باب حدود؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۸۶.



سؤال زنی که از مساحقه می‌پرسد، می‌فرماید: «حد زنا بر آنان جاری می‌شود. این زنان در روز قیامت، با لباس‌هایی از پاره‌های آتش محشور می‌شوند و مقنعه‌های آتشین بر سر دارند و شلوارهایی از آتش برتن دارند و ستون‌هایی از آتش در شکم آنها وارد شده است که تا سرشان ادامه دارد و خداوند آنان را به داخل آتش پرتاب می‌کند»^۱. اگرچه برای هم جنس بازی زنان انواعی ذکر شده است، اما از آنجا که مطابق اصل قانونی بودن جرایم، باید به فعل ممنوع در قانون تصریح شده باشد، لذا رکن مادی مساحقه عبارت است از: «قراردادن اندام تناسلی مونث براندام تناسلی همجنس خود» و اعمال دیگر مانند بوسیدن زنی توسط زن دیگر از روی شهوت یا لیسیدن اندام‌های تناسلی را شامل نمی‌شود البته این موارد با وجود اینکه شامل رکن مادی جرم مساحقه می‌شود، اما به جهت آنکه این موارد در ماده ۲۳۸ ق.م.ا. نیامده است، لذا قابل مجازات نمی‌باشد. بلکه ممکن است در این موارد برحسب نظریه مشورتی شماره ۹۱۶/۷ تاریخ ۱۳۷۳/۴/۸ اداره حقوقی مشمول ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی سابق قرار گیرد آنچه را که مقنن به عنوان رکن مادی مساحقه قبول دارد، در ماده ۲۳۸ ق.م.ا. به آن اشاره نموده است. مقنن قبل از انقلاب اسلامی ایران، توجهی به جرم مساحقه ننموده بود که علت آن در عدم ورود مفهوم «حق الله» به حیطة قانونگذاری است. زیرا آن قوانین الهام گرفته از قوانین جزایی فرانسه بود که فقط برای جرایم دو جنبه «حق عمومی» و «حق خصوصی» در نظر گرفته بودند. توجه به «حق الله» بعد از انقلاب اسلامی ایجاب نمود که مقنن، حدود را در ردیف جرایم بگنجاند. «حق الله» از حقوق خصوصی است؛ اما نه از حقوق خصوصی اشخاص، بلکه از حقوق خصوصی که مختص به خداوند است. البته خداوند محتاج به چنین حقوقی نیست، بلکه این حق به خاطر حفظ حاکمیت خدا و اطاعت از او برای حفظ مصالح جامعه و افراد است. در قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ عمل مساحقه را جرم انگاشت. ماده ۱۵۷ قانون فوق در تعریف مساحقه چنین آورد: «مساحقه هم جنس بازی زن‌هاست با اندام تناسلی»، و ماده ۱۵۹ که رکن قانونی مساحقه را تشکیل می‌دهد، حد مساحقه را برای هر یک، یکصد تازیانه در نظر

^۱ - منبع پیشین ص ۸۶



گرفته بود. در حال حاضر نیز مواد ۲۳۸ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲، جایگزین ماده ۱۲۷ قانون سابق شده است. در اینجا یک نکته مهم وجود دارد و آن اینکه جرم مساحقه تقریباً فاقد سابقه در دادگستری می‌باشد. آیا چنین واقعیتی نشان از سلامت اخلاقی زنان جامعه ماست؟ واقعیت این است که نسبت آمار سیاه جرم مساحقه به آمار قانونی آن بیش از ۹۹ به یک است. حتی این آمار کمتر از آمار سیاه جرم هم جنس بازی مردان (لواط و تفخیز) می‌باشد؛ زیرا در مساحقه فرد مجنی علیه وجود ندارد. چون از یک طرف مفعول در جرم مساحقه با مفعول در جرم لواط متفاوت است و آثار جسمی در لواط، اثبات آن را ممکن می‌سازد، اما آثار جسمی در مساحقه قابل مشهود نیست و از سوی دیگر رضایت طرفین نیز علت دیگری بر مخفی ماندن جرم مساحقه است. اگرچه مخفی ماندن جرم مانع بروز اثرات سوء آن نمی‌گردد. در فقه، طرق اثبات مساحقه به اقرار و بیّنه محدود شده است، ماده ۱۷۲ و ۱۹۹ ق.م.ا نیز ضمن پیروی از فقه، علم قاضی رانیز به عنوان ادله اثبات مقرر داشته است. قانون مجازات اسلامی با پیروی از نظر مشهور فقها، در ماده ۲۳۹ ق.م.ا، حد مساحقه را درباره هر یک از طرفین صد تازیانه قرار داده است. البته در صورت تعدد و تکرار جرم، تشدید مجازات در جرایم تعزیری در نظر گرفته شده است. از آنجا که مجازات در جرایم تعزیری و بازدارنده معمولاً دارای حداقل و حداکثر است و قاضی قادر به جولان در دامنه مجازات می‌باشد، همچنین در متناسب ساختن مجازات با سوءنیت مجرمانه و حالت خطرناک جرم، امکان تخفیف مجازات و تشدید آن وجود دارد، لذا تعدد و تکرار هر دو موجب تشدید مجازات و در مواردی موجب جمع مجازات می‌گردد. اما در جرایم حدی با توجه به تعیین مجازات در شرع، امکان تشدید یا تخفیف آن وجود ندارد و صرفاً در صورت تکرار، نوع مجازات تغییر می‌کند. تعدد جرم مساحقه، تأثیری در مجازات نداشته و هرگاه فردی چندبار این عمل را تکرار نماید، بدون اینکه حد بر وی جاری شود، فقط مستحق یک بار اجرای حد (صد ضربه) است. اما تکرار جرم در نوع مجازات مساحقه کنندگان مؤثر می‌باشد. آنچه ذکر شد، مجازات اصلی جرم مساحقه است. تعیین مجازات تکمیلی یا تمیمی درباره مساحقه با توجه به نص صریح ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ممکن است. اما مجازات تبعی درباره مساحقه



کنندگان در ماده ۲۳ ق.م.ا در نظر گرفته شده است. مطابق ماده ۲۶ قانون فوق‌الذکر حقوق اجتماعی احصاء شده است. در باب سقوط مجازات حدی مساحقه این نکته حایز اهمیت بیان است که چنانچه مساحقه با شهادت شهود ثابت شود و مساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط می‌شود اما توبه بعد از شهادت شهود موجب سقوط حد نیست و چنانچه مساحقه کننده اقرار کند و سپس توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو او را بنماید شاید این سوال پیش آید چطور می‌شود کسی قبل از شهادت توبه کند و حد ساقط شود در حالیکه تلویحا اقرار به بزه نموده است بنظر می‌رسد این امر منصرف از یک بار اقرار باشد.

د: رابطه نامشروع: مفاهیم عفت و اخلاق به تبعیت از فرهنگ و ارزش‌های حاکم در جامعه شکل می‌پذیرند. در سرزمین‌های مختلف در طول تاریخ، حسب زمان و مکان متغیر بوده است. احترام و پایبندی به معیارهای اخلاقی نیز توسط آحاد افراد جامعه با لحاظ سن، جنس، طبقه اقتصادی و اجتماعی، محیط شهری و روستایی تفاوت دارد. بر این اساس، اعمال ضدعفت و علیه ارزش‌های اخلاقی به نسبت الگوهای حاکم، متفاوت و دارای اعتبار نسبی هستند، بنابراین ارتباط نامشروع یک امر نسبی است که با سطح افکار، عقاید، آداب و رسوم و اخلاقیات مردم هر جامعه‌ای رابطه مستقیم دارد. در نتیجه، ممکن است ارتکاب اعمالی مانند درآغوش کشیدن زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت وجود ندارد در بعضی کشورها (همچون کشورهای اروپایی) عمل منافی عفت تلقی نشود. اما ارتکاب این قبیل اعمال از نظر اسلام و به تبع آن جامعه اسلامی، منافی عفت محسوب می‌شود، چرا که ارتکاب این اعمال با اصول اعتقادی و اخلاق اسلامی مسلمانان مغایر است. به این ترتیب باید گفت که ضابطه و معیار تشخیص رابطه نامشروع در وهله اول شرع اسلام و سپس عرف جامعه است. فقدان علقه زوجیت با استفاده از اثر مستقیم آن، عمل رابطه نامشروع را در میان زن و مردی که با یکدیگر ارتباط دارند، ایجاد می‌کند. در این صورت، اگر اعمال و افعالی را که زن نسبت به شوهر و یا شوهر نسبت به زن مجاز به انجام است، دیگران مرتکب شوند، رابطه نامشروع به وجود می‌آید^۱ به طور کلی باید

^۱ - شامبیاتی، هوشنگ: حقوق کیفری اختصاصی، ج ۳، تهران: انتشارات ژوبین، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۵۴۴.



گفت لفظ رابطه نامشروع متأثر از مبانی اعتقادی و اخلاق اسلامی است و ناظر به برقراری ارتباط جسمی و لفظی (به صورت بگو و بخند) بین زن و مرد نامحرم است، مانند اینکه زن شوهرداری در محل کار خود با مرد دیگری رابطه دوستی پیدا کند یا با او به سینما و مسافرت برود. همچنین اعمال دیگری همچون مکالمات تلفنی، رد و بدل کردن مکاتبات عاشقانه و گردش در پارک و خیابان، ممکن است رابطه نامشروع تلقی شوند. البته باید توجه داشت که طرفین رابطه نامشروع باید مرد و زن باشند. بنابراین اگر شخصی خنثی و بالاحص خنثی مشکله و یا فردی نابالغ (صغیر) مرتکب رابطه نامشروع شود، موضوع از شمول این حکم خارج خواهد بود. نکته مهم آن است که بحث رابطه نامشروع در کشور ایران که یک کشور اسلامی است با بحث رابطه نامشروع در کشورهای غیراسلامی و به خصوص غربی یکسان نیست، زیرا در کشورهای اخیرالذکر، مناسبات و روابط اجتماعی بانوان با مردان بسیار پیشرفته است و تا زمانی که به مرحله مواجهه نرسد، عرفاً و قانوناً رابطه نامشروع تلقی نمی‌شود. به عبارت دیگر، در اکثر کشورهای غیراسلامی رابطه نامشروع به عملی اطلاق می‌شود که منجر به مرحله نهایی برقراری رابطه جنسی شده باشد و اگر زن و مردی روابطی از نوع سطحی داشته باشند ولی عمل مواجهه را انجام ندهند، رابطه آنها نامشروع تلقی نمی‌شود^۱. ولی در اکثر کشورهای اسلامی و از جمله ایران، صرف خلوت کردن زن و مرد نامحرم با یکدیگر و انجام اعمالی همچون دست دادن، از آنجایی که مغایر با اصول اخلاقی و اعتقادی اسلام است، نامشروع تلقی می‌شود. بنابراین با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت رابطه نامشروع عبارت است از برقراری ارتباط و مراوده بین دو جنس مخالف خارج از معیارهای متعارف شرعی به صور مختلف، خواه در قالب پیوندهای عاطفی منجر به ارتباط دوستانه و خواه در سطح پیشرفته جسمی و جنسی بدون وجود علقه زوجیت. (نجفی توانا، ۱۳۸۲، ص ۳۱). بنابراین تعریف فوق، ارتباط نامشروع هم شامل روابط جنسی بین زن و مرد فاقد علقه زوجیت می‌شود و هم شامل ارتباطات جسمی و حتی لفظی و کلامی بین آنها. پس اگر بخواهیم در مورد ارتباط نامشروع فقط رابطه

^۱ - منبع قبل ص ۵۴۴.



جسمی یا جنسی را ملاک قرار دهیم، به تعریف جامع و مانعی دست نخواهیم یافت، چرا که مواردی از ارتباطات لفظی و کلامی نامشروع هم در فقه اسلام قابل مشاهده است. بنابراین ارتباط نامشروع هم ارتباطات لفظی را می‌تواند دربر گیرد و هم ارتباطات جنسی و جسمی را. البته از آنجایی که قانونگذار ایران بحث ارتباط نامشروع جنسی (زنا) را در بخش دوم کتاب دوم قانون مجازات اسلامی (حدود) بیان داشته است و از آنجایی که ماده ۶۳۷ قانون مذکور در کتاب پنجم (تعزیرات) آمده است، لذا باید به این امر معتقد شد که ارتباط نامشروع مذکور در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی فقط شامل روابط نامشروع جسمی و غیرجسمی است. به نظر می‌رسد با قدری تسامح بتوان عبارت «عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل و مضاجعه» مذکور در ماده ۶۳۷ قانون مذکور را معادل «ارتباط نامشروع جسمی» دانست و عبارت «ارتباط نامشروع» مذکور در این ماده را به همه انواع ارتباطات نامشروع بین زن و مردی که علقه زوجیت ندارند به غیر از روابط جنسی و جسمی، تسری داد.

بخش سوم: سیاست جنایی قضایی در جرایم فساد و فحشا

الف: دایر کردن مکان فساد و فحشا و تحریک مردم به فساد: تاسیس و دایر کردن مراکز فساد و فحشاء که امروزه در دنیا، در قالب تجارت صورت می‌گیرد، یکی از سودآورترین درآمدهای غیرقانونی است. دایر کردن در این جرم معنایی اعم از تاسیس و اداره دارد. مرکز فساد و فحشاء محلی است که فساد و فحشاء در آن صورت می‌گیرد. بنابراین شامل محلی که مقدمات فساد و فحشاء صورت می‌گیرد، نمی‌شود.^۱ فساد بر «هر عمل خلاف قانون»^۲ اطلاق می‌شود و فحشاء به کار زشت و عمل زنا اطلاق می‌شود در اصطلاح فساد و فحشاء در مواردی برای یک معنا بکار رفته است. اما با توجه به این که در ماده ۶۳۹ ق.م.ا بین فساد و فحشاء حرف اضافه «و یا» فاصل شده است، باید آن دو را در این جرم متفاوت دانست. بنابراین فساد مفهومی جدای از فحشاء دارد. در حقیقت می‌توان فحشاء را به معنای زنا دانسته و فساد را بر

^۱ - زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، نشر ققنوس، تهران، سال ۱۳۸۰، ص ۴۸۰.

^۲ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر: «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، واژه فساد.



سایر اعمال ضد عفت و اخلاق حسنه مانند لواط، مساحقه، تفخیز، نمایش و فروش مطالب مستهجن دانست. شاهد بر این امر، ذکر ماده ۶۳۹ در فصل جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی است. در نهایت باید گفت فساد و فحشاء منصرف به مفاصد اخلاقی است و تشخیص آن بر عهده دادگاه است^۱. با این وجود در تعریف این جرم می‌توان گفت، تاسیس و اداره هر محلی که در آن شرایط و امکانات انجام و گسترش اعمال ضد عفت و اخلاق عمومی فراهم باشد. ماده ۶۳۹ که رکن قانونی این جرم را تشکیل می‌دهد می‌گوید:

« افراد ذیل به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف- کسی که مرکز فساد و یا فحشاء را دایر یا اداره کند.

ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشاء تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.»

رکن مادی این جرم، تاسیس و اداره محلی است که در آن فساد و فحشاء ترویج و انجام می‌شود. هر کسی در چنین محلی در اداره آن نقش داشته باشد مجرم محسوب و محکوم به مجازات است. رکن معنوی این جرم از سوء نیت عام برای ترویج اعمال ضد عفت و اخلاق تشکیل می‌شود. از تعبیر «دایر یا اداره نماید» ضرورت وجود عمد در اشاعه فحشاء در ارتکاب جرم دانسته می‌شود. توضیح این نکته لازم است که مقصود از تعطیل موقت در این ماده، مهر و موم کردن محل و بستن آن است. ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ در این باره می‌گوید:

«موسساتی که موجب تسهیل و سائل برای اعمال منافی عفت هستند به دستور دادگاه که در ضمن حکم مجازات داده می‌شود، بسته خواهد شد. بعد از قطعیت حکم بستن موسسه، محکوم یا اشخاصی که محل از طرف محکوم به آنها به هر نحو واگذار گردیده است، نمی‌توانند در آن جا به بانقدی از ده هزار ریال تا صد هزار ریال و بستن مجدد موسسه خواهد بود. بنابراین

^۱ - زراعت، عباس، همان، ص ۴۸۰.



مقصود ماده ۶۳۹، تعطیلی مرکز نیست، بلکه مقصود بستن مرکز است.^۱ جرم دایر کردن مرکز فساد و فحشاء، جرمی به عادت و مستمر است که نیاز به تکرار فعل دارد به گونه‌ای که عنوان اداره مرکز و فساد و فحشاء صادق باشد. بنابراین با تکرار اداره محل در مدت زمانی خاص تکرار جرم محقق نخواهد شد. باید توجه داشت، گرچه ارتکاب دایر کردن مرکز فساد و فحشاء، در کنار تشویق به فساد و فحشا به تنهایی مجازات جداگانه دارد، اما آن گاه که این دو در کنار هم و همراه یکدیگر واقع شوند، در واقع ماهیتی یکسان دارند و به موجب ذیل ماده ۴۷ ق.م.ا. (سابق) جرایم ارتكابی اگر مختلف نباشند، ارتكاب آن‌ها موجب تشدید است. بنابراین مرتکب این دو جرم در واقع جرم اشاعه فحشاء را مرتکب شده‌اند. چرا که در حقیقت کسی که مرتکب جرم دایر کردن و اداره مرکز فحشاء می‌شود، افراد را به ارتکاب جرم تشویق نیز می‌کند. البته اگر کسی فقط مرتکب تشویق به فساد و فحشاء شود، مجازات غیر مشدد خواهد داشت.^۲

ب: قوادی: قوادی به معنای رساندن زن و مرد به یکدیگر به منظور ارتکاب عمل منافی عفت به کار می‌رود که از گذشته‌های دور تاکنون دامنگیر جوامع بوده است. این جرم از حد یک بزه ساده و جزئی فراتر رفته و به جرم سازمان یافته و بحران بزرگ اجتماعی تبدیل شده است که قاچاق زنان و دختران و تشکیل باندهای فساد و مراکز فحشا را به همراه دارد. «قواد» بر وزن فعال از ماده قود و قیادت است، در تعریف لغوی آن نوشته‌اند: «القود نقیض السوق، یقود اللدابة من امامها و یسوقها من خلفها».^۳ کسی که ریسمان حیوان را در دست گرفته و از جلو حرکت می‌کند قائد است. اما آنکه از پشت سر آن را می‌راند، سائق خوانده می‌شود. در اصطلاح خاص و به استعاره در مورد ارتکاب عمل مجرمانه ای که حاصل آن به هم رساندن دو فرد برای انجام اعمال منافی عفت است، به کار می‌رود. چنانکه نوشته‌اند: «القواد الساعی بین الرجل

^۱ - اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، تهران ۱۳۸۵، ص ۱۸۸ و ۱۹۴.

^۲ - زراعت، عباس، منبع پیشین، ص ۴۸۰. و در مورد تعدد جرم، همان، ۲۲۵ - ۲۳۲.

^۳ - ابن منظور، «لسان العرب»، انتشارات بی تا، ج ۱۱، ص ۳۴۱.



و المرأة للفجور»^۱. علمای فقه، عموماً به تبع اهل لغت «قیادت» را در همان معنای استعاری به کار برده اند؛ لکن در مدلول آن اختلاف قابل توجهی میان ایشان دیده می‌شود. به گونه ای که جمعی مدلول آن را فقط جمع بین زن و مرد می‌دانند، عده ای آن را به جمع بین مردان هم تسری داده و برخی دیگر جمع بین زنان را هم از آن استفاده کرده اند. اگرچه ظاهراً اقتضای بر معنای اول قائل معینی ندارد و فقط در تنها حدیثی که مستند شرعی مجازات «قواد» است، به آن تصریح نموده اند؛ اما اکثر فقها به دو قول آخر ملتزم شده اند. بطورمثال می‌توان نظریات علمای زیر را مطرح نمود: شیخ مفید: «و من قامت علیه الیئنه بالجمع بین النساء و الرجال و الرجال و الغلمان للفجور»^۲. محقق حلی: «و اما القیاده فهی الجمع بین الرجال و النساء للزنا و الرجال و الصبیان للواط»^۳. قانون مجازات اسلامی، به دلیل این که براساس فقه تدوین شده است، در تعریف جرائم نیز اکثراً از نظر مشهور فقها پیروی می‌نماید. لذا در ماده ۲۴۲ ق.م.ا. بیان می‌دارد «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است». طبعاً حقوقدانان هم به همین تعریف اکتفاء نموده و اندکی در شرح، تفسیر و احیاناً نقد آن قلم فرسایی کرده اند.^۴ تنها مستند شرعی مجازات قوادی یک حدیث است. عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت می‌نماید، قال: «قلت لابی عبدالله (ع) أخبرنی عن القواد ما حدّه؟ قال: لا حدّ علی القواد البس انما یعطى الاجر علی ان یقود؟ قلت جعلت فداک انما یجمع بین الذکر و الاثنی حراماً قال: ذاک المؤلف بین الذکر و الاثنی حراماً فقلت: هو ذاک. قال: یضرب ثلاثة ارباع حدّ الزانی خمسّه و سبعین سوطاً و ینفی من المصر الذی هو فیه..^۵ در این روایت دو نوع مجازات برای قواد تعیین شده است؛ یکی تازیانه و دیگری نفی بلد یا تبعید اما در فتاوی فقها

^۱ - الزبیدی، محمد مرتضی: «تاج العروس»، لبنان دارالمکتبه الحیاه، بی تا. ص ۴۷۸.

^۲ - مروارید، علی اصغر: «سلسله الینایع الفقهیه»، لبنان، مؤسسه فقه الشیعیه، ۱۴۱۰. ج ۲۲، ص ۲۵.

^۳ - همان منبع ص ۳۶۶.

^۴ - شریفی، شاهیپور، منبع پیشین.

^۵ - حر عاملی، حسن: «وسائل الشیعیه»؛ لبنان، داراحیاء التراث العربی، بی تا. ج ۱۸، باب ۵ ابواب حد السحق و القیاده.



به دو نوع مجازات دیگر هم اشاره شده است که در جمع‌بندی از اقوال فقها نتایج ذیل به دست می‌آید:

شلاق؛ مجازات شلاق اجماعی است و هیچ‌گونه اختلافی در آن دیده نمی‌شود.

تبعید؛ با اینکه در حدیث تبعید همراه با شلاق ذکر شده است، اما اجماعی درباره آن وجود ندارد. در ماده ۲۴۳ ق.م.ا. که متأثر از نظر مشهور است، مجازات قواد هفتاد و پنج ضربه شلاق و تبعید از محل که مدت آن تا یک سال در نوسان می‌باشد، تعیین شده است. اگرچه در متن روایی که مستند این مجازات است، مدتی برای تبعید در نظر گرفته نشده و در کلام فقها نیز به طور مطلق آمده است علاوه بر آن در باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده برای افرادی که اقدام به دایر نمودن مراکز فساد و فحشا می‌کنند یا مردم را به آن تشویق نمایند، مجازات حبس از یک تا ده سال در نظر گرفته شده است و اگر اقدام این افراد مصداق قوادی هم باشد، جمع بین مجازات‌ها خواهد شد.

ج: نگهداری، تولید و تکثیر آثار مستهجن و مبتذل: این موضوع از این حیث در مباحث راجع به جرایم جنسی مطرح می‌شود که عموماً افرادی که مرتکب اینگونه جرایم می‌شوند، اعمال آنها یا منتهی به وقوع جرایم جنسی یا نهادینه شدن انحرافی جنسی در آنها می‌گردد و یا در حالتی شدید وسیله ای برای دستیابی مرتکبین اینگونه جرایم به مطامع جنسی خود از طریق تحت فشار قراردادن بزه دیده و متضرراز جرم می‌شود از اینرو این موضوع ذیل گفتار جرایم جنسی بدون تماس و رابطه مطرح گردیده است. از آنجا که این بخش تحقیق به آشنایی اجمالی با انواع مهم جرایم جنسی و انحرافات جنسی اختصاص یافته است لذا در بسیاری از موارد بدون قید جزئیات تنها موضوع با توجه به مواد قانونی بیان می‌شود از آن جمله مباحث مربوط به این گفتار می‌باشد. گسترش روزافزون جرایم جنسی و گاه‌ها انحرافات این حوزه بخصوص پس از انتشار تصاویری از صحنه‌های غیراخلاقی از افراد سرشناس قانونگذار رابر آن داشت تا با تدوین قانونی جامع تا حدی از التهاب و دست یازیدن مجرمین اینگونه جرایم جلوگیری نماید و عناوینی را که اقتضا می‌نمود و تحت پدیده‌های نوظهور عفت عمومی را جریحه‌دار کرده بود



براساس جرم‌انگاری حداکثری حتی با ورود به حریم خصوصی افراد تحت کنترل و مواجهه با مجازاتهای شدید قرار دهد که به نمونه‌ای از این موارد اشاره می‌شود. دربدو امر لازم است موادی قانونی مرتبط با موضوع بیان شود. مشخصا در این رابطه قانونی با عنوان قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند اصلاح و نقصانهای موجود در قانون سابق ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ با همین عنوان در سال ۱۳۸۶ مرتفع گردید. در این قانون تلویحا عناوین مجرمانه مربوط تعریف و مجازات هر مورد ذیل تعریف بیان می‌شود لذا مواردی از متن این قانون جهت آگاهی از مفاد آن آورده می‌شود.

بخش چهارم: آسیب‌های ارتکاب جرایم فساد و فحشا

امروزه به خاطر شرایط خاص جامعه حساسیت نسبت به روابط دختر و پسر کم شده است. تقابلی که فرهنگ غربی با فرهنگ ما دارد، در سطح جامعه نیز اثرگذار بوده است. در گذشته اگر فردی به طرف جرایم اخلاقی می‌رفت او فردی مطرود بود و امروزه یک سری قواعد ما به خاطر ارتباطات تلویزیونی و غیره تغییر کرده است چنان که یک سری ضد ارزش‌ها بجای ارزش‌ها قرار گرفته است. اما این روند رو به فزونی، نه تنها موجب کاهش آسیب‌ها نشده است بلکه موجب فراوانی و شدت آنها نیز می‌باشد چرا که همگام با تغییر نگرش‌ها نسبت به رفتارهای جنسی، جانب احتیاط نیز رها می‌شود که این خود موجب افزایش آسیب‌ها است. لذا آنچنان که شناخت و ریشه‌یابی عوامل زمینه‌ساز ارتکاب فساد و فحشا در میان قشر نوجوانی کشور مهم و حیاتی است شناخت آسیب‌های ناشی از آن نیز برای یافتن راهکارهای پیشگیری ضرورت دارد.

بند اول: آسیب‌های فردی و افسردگی، افت تحصیلی و خودکشی

برخی تحقیقات روان‌شناختی، به‌ویژه بر نقش افسردگی در اقدام به خودکشی تأکید می‌کنند. از نظریات معروف روان‌شناسانه در مورد خودکشی، نظریه «گریز از خود» باومیسستر (۱۹۹۰) است. طبق این نظریه، خودکشی براساس انگیزه‌های گریز از خودآگاهی آزاردهنده توجیه شده است. زنجیره علی منجر به خودکشی با رخدادهایی آغاز می‌شود که



به‌طور جدی از معیارها و انتظارات فرد پایین‌تر هستند. هنگامی که این شکست‌ها به صورت درونی مورد توجه فرد قرار می‌گیرد، موجب ایجاد درد و رنج در خود آگاه فرد می‌شود. آگاهی از عدم کفایت خود، ایجاد اثرات منفی می‌کند و از این‌رو فرد مایل است از خود آگاهی و اثرات مرتبط با آن فرار کند. فرد می‌کوشد به حالتی از تجربه شناختی (نظیر کاهش توجهات دنیوی، تفکر انضمامی، اهداف سریع یا نزدیک، پایداری شناختی و طرد معنا) برسد که به او کمک می‌کند تا خود آگاهی معنادار و احساسات را نفی کند. در این وضعیت خودکشی می‌تواند به عنوان گام نهایی در تلاش برای گریز از خود و جهان به‌شمار آید. در گذار از مراحل منتهی به خودکشی یا افسردگی، افت تحصیلی از آسیب‌های اجتناب‌ناپذیر مسائل مبتلا به نوجوانان و جوانان بی‌تجربه در خوابگاه‌های نوجوانی است. افت تحصیلی به‌ویژه در ترم نخست، اغلب روی می‌دهد اما گاهی اوقات سازگار نشدن با شرایط حاکم بر خوابگاه این افت را شدیدتر کرده و گاهی به کلی عادت‌های مطالعه را تغییر می‌دهد. از عوامل مهم افت تحصیلی استعمال سیگار است این امر می‌تواند ناشی از اتلاف وقت بیهوده و گذراندن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان ناموفق با دوستان در خوابگاه‌ها یا بیرون از خوابگاه باشد که طبعاً بر روی پیشرفت تحصیلی این عده از نوجوانان و جوانان موثر می‌باشد. افسردگی و افت تحصیلی به دنبال گرایش به مصرف مشروبات الکلی و انحرافات جنسی از جمله عوارض قطعی این‌گونه تخلفات و سایر پیامدهای آن است. در ارتباط و دوستی‌های موجود بین دختران و پسران، به علت مغایرت با موازین شرعی و چارچوب‌های دینی و همین‌طور عدم پذیرش جو عمومی جامعه و مخالفت خانواده در برابر این مسئله، این‌گونه ارتباط‌ها و دوستی‌ها که غالباً به صورت پنهانی صورت می‌گیرد با مخاطرات روانی گوناگون از جمله اضطراب و تشویش همراه است. وجود افکار دیگری چون احساس گناه و نگرانی از تهدیداتی که توسط پسر برای فاش کردن روابطش با دختر صورت می‌گیرد، تعارض درونی و اضطراب مستمر را به دنبال دارد. دخترانی که در پی این‌گونه روابط دوستانه هستند معمولاً، به جرم آلودگی به این‌گونه روابط، شرایط ازدواج پاک را از دست می‌دهند. البته این‌گونه روابط ناسالم حتی در ازدواج پسران نیز تأخیر ایجاد می‌کند.



گاهی این گونه روابط و دوستی‌ها که معمولاً به انگیزه تفنن و سرگرمی شکل می‌گیرد. در خلال آن از خود باوری و زود باوری دختران سوء استفاده می‌شود. حس تنوع طلبی انسان و از یک طرف و فقدان عامل بازدارنده از طرف دیگر باعث می‌شود که دختر و پسر ارضای کاذب شوند و به سادگی سراغ ازدواج و تشکیل خانواده نروند. افسردگی و افت تحصیلی پس از جدایی و احتمال خودکشی از دیگر عوارض چنین ارتباطی است. پس از ایجاد ارتباط و به دلیل ارتباط مستمر نوعی حالت وابستگی روانی بین طرفین ایجاد می‌شود. در این دوره طرفین برای حفظ این ارتباط تلاش می‌کنند و حاضرند هر هزینه‌ای برای ادامه رابطه پردازند. آنها گاهی اصرار به ادامه ارتباط و حتی ازدواج می‌گیرند. در این حالت در صورت قطع رابطه و به هم خوردن رابطه به هر علتی که باشد به افسردگی شدید منجر شده و موجب بی‌حوصلگی و یأس و ناامیدی می‌گردد، میل به زندگی از بین می‌رود و در مواردی نیز دست به خودکشی می‌زنند. از دیگر عوامل فردی اجتماعی خودکشی، نوع گرایش جنسی است. تحقیقات نشان می‌دهد که مردان همجنس‌گرا در مقایسه با دیگر نمونه‌ها، در اقدام به خودکشی دو تا شش برابر آسیب‌پذیرتر هستند و یک‌چهارم جوانانی که مرتکب خودکشی می‌شوند به این خاطر بوده است که آنها قادر به پذیرش گرایش همجنس‌گرایانه خود نبوده‌اند. اعتیاد به الکل و می‌گساری نیز از عواملی است که آسیب‌پذیری از خودکشی را افزایش می‌دهد. افسردگی همراه ناگواری‌های سخت در زندگی، موجب ایجاد احساس ناامیدی در فرد و افزایش آسیب‌پذیری از خودکشی در او می‌شود دختر ۲۱ سال‌های از اهالی کرج که در دانشگاه دامغان در رشته میکروبیولوژی تحصیل می‌کرد نیز در حمام خوابگاه، خود را با پارچه حلق‌آویز کرد. یک نوجوانی دختر دیگر نیز در دانشگاه ملایر با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرد. این نوجوان چندی قبل از این حادثه به اتهام رابطه نامشروع از سوی کمیته انضباطی دانشگاه به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده بود.



اغلب افرادی که در شهرهای بزرگی چون کرمانشاه مشغول تحصیل هستند، در خوابگاه‌ها زندگی می‌کنند و در این میان احتمال آن هست که این افراد از لحاظ تغذیه و بهداشت به مشکل برخورد کنند ولی به دلیل آنکه بیشتر این نوجوانان و جوانان شهرستانی در شهرها آشنا و اقوام نزدیکی ندارند، برخی از تنهایی و نبود والدین خود رنج می‌برند و به انزوا و گوشه‌نشینی پناه می‌آورند. در واقع تصمیم یا اقدام به خودکشی می‌تواند از عوامل شخصیتی - اجتماعی و فرهنگی ریشه بگیرد. احساس ناتوانی در حل مشکلات، دوری از خانواده، شرایط نامناسب تحصیلی، شغلی و معیشتی، رقابت‌های تحصیلی، مشروط شدن و یا نوع مناسباتی که در دانشگاه‌ها وجود دارد و انتظاراتی که از این فرد می‌رود همه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری فکر برای نابودی فردی و یا اقدام برای رهایی از این مشکلات باشد. خودکشی هر چند در وهله اول یک مشکل فردی به شمار می‌رود ولی از آنجایی که فرد در اجتماع زندگی می‌کند و تأثیرات متقابلی همواره بین آنها برقرار است، به عنوان یک معضل اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آمار خودکشی معمولاً با سایر جرایم و آسیب‌ها ارتباط پیدا می‌کند، به طوری که در میان گروه‌های مبتلا به اعتیاد خودکشی بیشتر دیده می‌شود. همچنین در آسیب‌های مربوط به انحرافات جسمانی بویژه در میان قربانیان این انحراف خودکشی پدیده شایعی است. در میان بیماران روانی بویژه افسردگی‌های شدید نیز اغلب خودکشی مسأله قابل توجهی است.

بند دوم: گرایش به ابتدال‌های اخلاقی، برهنگی و رفتارهای پرخطر جنسی

اگر چه در میان نوجوانان و جوانان عده‌ای محبوب به حیا و عقیف را می‌توان یافت، اما حضور افرادی با باورهای دینی بی‌ثبات و متزلزل انکارناشدنی است. نوجوانی که از نظر اعتقادی و حتی هویت‌یابی هنوز به مرحله ثبات نرسیده، از شهر یا روستای محروم (منظور محرومیت نسبی از اطلاع رسانی‌های دینی فرهنگی و آسیب‌شناسانه) وارد کلان‌شهری چون کرمانشاه می‌شود. سپس با هر بار بیرون آمدن از خوابگاه جهت تفریح، خرید یا حتی رفتن به دانشگاه و مواجهه با مسائل نه تنها غیراخلاقی و غیردینی، بلکه ضد اخلاق و دین،



دست و پنجه نرم می کند و عاقبت چه بر سر سازه های فرهنگی ذهنش خواهد آمد؟ برخی از افرادی که در ابتدای دوره نوجوانی پوششی کامل داشتند با زندگی و رفت و آمد در شهر و خانه ای دیگر حجاب خود را کنار گذاشته و به اصطلاح خودشان مدرن می شوند و متأسفانه حریم حیا و عفت کنار گذاشته شده و نوجوانان و جوانان دختر و پسر با پوششی بسیار نامناسب ظاهر می گردند. میزان گرایش به روابط در میان نوجوانان و جوانان به دور از خانواده، احساس نیاز به توجه و محبت اطرافیان و داشتن اوقات فراغت زیاد، بیش از دیگر نوجوانان و جوانان است در این نوع روابط با توجه به تکرار دیدارهای میان نوجوانان و جوانان، دل بستگی خاصی میان آنها ایجاد شده؛ به نوعی که در تصمیم گیری ها بر قوه تعقل نوجوانان و جوانان نیز تأثیر گذار است. به همین دلیل در برخی روابط، نوجوانان و جوانان میل به روابط جنسی نیز پیدا می کنند که البته در این گونه موارد این نوجوانان و جوانان دختر هستند که لطامت بیشتری دیده و آینده آنها به خطر می افتد. بعضی از نوجوانان و جوانان به دلیل ایجاد روابط غلط و بروز برخی مسائل، مجبور به پنهان کاری شده و تا آخر عمر امکان تشکیل زندگی را پیدا نمی کنند.

بند سوم: گرایش به زندگی در خانه های مجردی و پانسیون ها

الف- میل به زندگی در خانه های مجردی: امروزه افراد زیادی در سراسر جهان به علل مختلف درگیر زندگی مجردی هستند متأسفانه نه تنها در جهان، بلکه در اکثر کشورهای اسلامی هم گرایش به این سبک از زندگی رو به فزونی است و ممکن است در آینده های نه چندان دور به مانند کشورهای اروپایی و آمریکایی به معضلی اجتماعی بدل گردد. کسانی که به این نوع از زندگی روی می آورند چند دسته اند؛ که مطالب ذیل مربوط به نوجوانان و جوانان است که بالاجبار و برای مدتی معین، چه در کلان شهرها و چه در شهرهای کوچک، به علل مختلف، (از قبیل؛ کمبود خوابگاه یا نبود شرایط و امکانات مناسب خوابگاه مثل شلوغی بیش از حد و ...) خانه های مجردی را انتخاب کرده و با چند نفر از هم دانشگاهیان و گاهی به صورت انفرادی، دوره تحصیل را در آن سپری می کنند. در



گذشته، اکثر پسرها به زندگی در خانه‌های مجردی رو می‌آوردند و به دلیل آزادی‌هایی که در فرهنگ ما برای پسران بیشتر از دختران است این نوع از زندگی در میان آنها شایع بود. اما چند سالی می‌شود که این مسأله در میان دختران نیز شایع شده و علی‌رغم مخالفت‌هایی که هنوز خانواده‌ها در قبال این موضوع دارند اما روند گسترش این سبک زندگی در میان دختران نیز افزایش یافته است. در واقع درست است که با گرفتن خانه مجردی از بسیاری از مشکلات خوابگاه‌ها می‌شویم لکن، این روش سختی‌های خود را دارد که گاهی از انتخاب این روش پشیمان می‌شویم؛ یکی از مشکلات پیدا کردن خانه‌ای است که هم در جای مناسبی از شهر باشد و هم از نظر امنیتی و مکانی از شرایط خوبی برخوردار باشد، صاحب خانه و همسایه‌ها افراد قابل اطمینان، سالم و بی‌آزاری باشند و در این بین مشکل هزینه اجاره هم از اهمیت بالایی برخوردار است که این تازه اول راه است! گام اصلی که برای این امر باید به شدت مورد توجه قرار بگیرد بحث انتخاب هم‌خانه است باید یک هم‌خانه برای خود برگزینیم که پیدا کردن دختری که شرایط یکسان با من داشته باشد و از همه مهمتر از نظر اخلاقی و تربیتی و مذهبی با من همسو بوده و خود باعث آزارم نشود بسیار سخت است، چرا که در زندگی خوابگاهی، انسان می‌تواند خودش باشد و وقتی تناقضات رفتاری را مشاهده می‌کند خود را از فرد یا گروه متناقض جدا سازد، ولی این فرصت در خانه مجردی وجود ندارد چرا که حداکثر افرادی که با ما در این خانه زندگی می‌کنند چهار نفرند که ممکن است هر کدام از این افراد خلق و خو و فرهنگ خاص خود را داشته باشند و اینجاست که اگر از هر لحاظ با آنها مشکل پیدا کنیم زندگی به کاممان تلخ شده و نه تنها از لحاظ روحی به هم می‌ریزیم بلکه از نظر تحصیلی نیز دچار افت خواهیم شد.

ب- گرایش به زندگی در پانسیون‌ها یا خوابگاه‌های خصوصی: پانسیون‌ها پدیده‌ای نوین هستند، پدیده‌ای که عمر آنها به نیم قرن هم نمی‌رسد. با وجود پانسیون‌ها، مهاجران تحصیل کرده و افرادی که به هر دلیل نمی‌توانند خانه‌ای برای سکونت بیابند، این فرصت را خواهند داشت که جایی برای خواب و استراحت خود در شهرهای بزرگ بیابند. مانند بسیاری از



پدیده‌های دیگر، پانسیون‌ها نیز از کشورهای دیگر وارد کشور ما شده‌اند و ریشه آن به کشورهای غربی باز می‌گردد. فلسفه وجودی زندگی پانسیون به دوران جنگ جهانی اول برمی‌گردد زمانی که شهرها ویران شدند اولین مسکن‌های عمومی برای اسکان جنگ زده‌ها و آسیب دیده‌ها شکل گرفت این نوع مسکن به دلیل کم هزینه بودن و شرایط بحرانی پیش آمده خارجی و اقلیت‌های قومی و پناه جویان سیاسی اقدام به توسعه این نوع مکان‌های زیستی کردند. بنابراین آنچه بدیهی است این است که شکل گیری این سبک زندگی یک پدیده مدرن است به مرور دولت‌ها از این شیوه اسکان به ظاهر کم هزینه استفاده کردند و برای اسکان آوارگان شهری و برخی اقشار آسیب دیده (کودکان، زنان بی سرپرست، سالمندان و بیماران خاص) استفاده کردند، اما مانند همان پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، پانسیون‌ها نیز در کشور ما روندی خلاف روندهای مرسوم در کشورهای غربی طی کرده‌اند. و لذا وضع فعلی پانسیون‌ها در شهرهای بزرگ به ویژه کرمانشاه و آسیب‌هایی که متوجه آنهاست قابل انکار نیست.

بند چهارم: گرایش به تولید و توزیع و معامله محتوای تصویرهای مبتذل و

مستهجن

در خوابگاه‌های دانشگاه‌های کرمانشاه به دلیل وجود اینترنت‌های پرسرعت، دانلود فیلم‌های غیراخلاقی و عکس‌های مبتذل مشهود است و به شدت رواج یافته است و علاوه بر گسترش تبادل سی‌دی‌هایی با مضمون‌های غیراخلاقی به عنوان مکانی برای درآمدزایی برخی نوجوانان و جوانان نیز تبدیل شده است. واضح است که بسیاری از نوجوانان و جوانان اوقات فراغت خود را با دانلود کردن و تماشای این گونه تصاویر و فیلم‌ها پر کرده و از آن الگو برداری می‌کنند. اعتیاد که به مصرف مواد مخدر به صورت عادت و وابستگی جسمی و روحی به مواد مخدر و در فواصل زمانی خاص، به مصرف تفنی آن اطلاق می‌شود، خطری بزرگ و ضایعه‌ی غیرقابل جبرانی برای نسل جوان کشورمان محسوب می‌شود و می‌رود که



هر روز بر تعداد معتادان ایرانی بیفزاید و مهمتر اینکه سن اعتیاد در جامعه ایران نیز به ۱۸ سال و حتی با شواهد و قرائن ظاهری به سال‌های کمتر از ۱۸ سال کاهش یافته است. از سوی دیگر، در بحث اعتیاد هیچ تفاوتی میان معتادان حرفه‌ای مواد مخدر و مصرف‌کنندگان تفننی وجود نخواهد داشت. چرا که بیشتر معتادان مواد مخدر، ابتدا مصرف‌کنندگان تفننی مواد مخدر و روان‌گردان بوده‌اند، در نتیجه هرگاه که به بحث مرتبط با مواد مخدر می‌پردازیم، ناگزیریم به مصرف‌کنندگان تفننی توجه بیشتری کنیم تا آمار این گروه روز به روز افزایش پیدا نکند. غم‌انگیزتر اینکه به دلایل عدیده، اعتیاد به مواد مخدر در میان نوجوانان و جوانان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی روند رو به رشد داشته و خطر آلوده و منحرف شدن نوجوانان و جوانان سالم، این جامعه را تهدید می‌کند. تجمع نوجوانان و جوانان در محیط‌های خوابگاهی و گذران وقت زیاد در این محیط‌ها می‌تواند محیط مناسبی برای مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی فراهم آورد و آن‌ها را تبدیل به مکان‌های بیشترین مصرف نماید. متأسفانه این روزها قلیان و سیگار دروازه‌های ورود به ناهنجاری‌های رفتاری در خوابگاه‌ها هستند. اما در خصوص اعتیاد نوجوانان و جوانان به مواد مخدر و مشروبات الکلی، باید متذکر شویم که علاوه بر عوامل بیرونی اعتیاد، عوامل درونی نیز نقش بسزایی در اعتیاد این قشر دارد که از آن جمله می‌توان به: فشار فراوان درسی، اضطراب‌های پیش از امتحانات، دوری از خانواده، قرار گرفتن در محیط آزاد جامعه بدون اعمال فشار والدین خصوصاً برای نوجوانان و جوانان شهرستانی، دوستیابی ناموفق در سطح دانشگاه و یا در سطح جامعه، بی‌سروسامان بودن وضع رفاهی نوجوانان و جوانان، همگانی نشدن بحث مشاوره در سطح دانشگاه‌ها، بی‌علاقگی نسبت به رشته‌ای که نوجوان از روی ناچاری به آن مشغول به تحصیل است، اختلاط فرهنگ‌ها در میان نوجوانان و جوانان، جذب نوجوانان و جوانان در شهرستان‌هایی که فاقد امکانات خوابگاهی است، ضعف امکانات رفاهی و ورزشی در دانشگاه‌ها، بی‌برنامگی نوجوان و دانشگاه در خصوص پر کردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان، تراکم نوجوان در خوابگاه‌ها و سرخوردگی‌های فرهنگی - اجتماعی، بیکاری و نامشخص بودن آینده شغلی و زندگی نوجوانان و جوانان، تهیه آسان مواد مخدر در جامعه، روزمرگی زندگی



نوجوانان و جوانان، شکست در روابط و دوستی‌های میان نوجوانان و جوانان دختر و پسر و بی‌توجهی به خواست‌های نوجوانان و جوانان اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

معضلات و چالش‌ها به استثنای مواردی که در حاشیه بطورمثال مباحث فرهنگی و پیامدهای اجتماعی و مشکلات اقتصادی قابل بحث و جستجو است اهم آن از بطن ابزارهای قانونی و پیشگیری نشأت می‌گیرد ابزارهایی که علی‌رغم گذشت مدت زمان متنابعی اصلاح نشده، ترمیم نگردیده و متناسب با مقتضیات زمان و مکان بروزآوری نگردیده است چرا که با رشد خیره‌کننده تکنولوژی قسمتی از این پیشرفت‌ها خواه ناخواه در مسیر منفی جریان دارد و مقابله با این پیشامدها ابزار مناسب خود را می‌طلبد امروزه اشکال جرایم و انحرافات جنسی همیت سابق خود را نداشته و با مظاهری دیگر جلوه‌گر است ابزارهای سکس‌های نامشروع، قوادی‌های مدرن در فضاهای مجازی و به انحراف کشانیدن جوانان، استفاده از مکمل‌ها، روسیگری به شیوه نوین، جداسازی دختران و جوانان و نوجوانان از خانواده در قالب باندهای مافیایی و هدایت آنها و تطمیع و تشویق بسوی باندهای قاچاق در جهت اعمال جنسی نامشروع، استفاده جنسی جهت تبلیغات، بکارگیری مانکنهایی زنده در اماکن عمومی و فقط در جهت انحراف جوانان و تلاش در اینترنت و بازارهای خرید آنلاین در جهت تشویق جوانان از ابزارهای انجام سکسهای خارج از عرف و مصادیق دیگر همه و همه مواردی هستند که قانونگذار ما آنرا به غفلت واگذار کرده و مشخصا برای آن تمهیدی نیندیشیده است. و ما را در محاکم خود در زمینه رسیدگی به اینگونه جرایم با چالش روبرو کرده است. چالش دیگر این است که مجازاتهای موجود نیز از کمیت و کیفیت لازم برخوردار نمی‌باشند. از منظر دین مبین اسلام، همواره برای جلوگیری از فحشا و اشاعه آن و حفظ آبرو و حیثیت مردم در خصوص جرایم جنسی، توصیه به پاکدامنی و تشکیل خانواده و در صورت ارتکاب این جرایم، جرم پوشی و اختفا و پرده‌پوشی، سرلوحه کار بوده است؛ اما برای مبارزه با انحطاط اخلاقی و جلوگیری از بی‌بند و باری و ارضاء لجام گسیخته امیال شهوانی، باید هم از روش درونی یا اخلاقی و هم از



روش بیرونی یا جزایی استفاده نمود زیرا بسیاری از افرادی که به اصول اخلاقی پایبند نبوده و با ارتکاب جرایم جنسی، آسایش عمومی را از مردم سلب می‌نمایند؛ از آنجاییکه بسیاری از جرایم جنسی در نگاه اول، جزء جرایم علیه اشخاص و از منظر دیگر جزء جرایم ضد اخلاق و عفت عمومی است؛ در نتیجه، تنها راه مقابله با قانون‌شکنان، اعمال مجازات در مورد آنان است. قانونگذار ایران که به تبعیت از فقه امامیه اقدام به جرم‌انگاری تعدادی از جرایم جنسی غیر حدی نموده است، سیاست کیفری خاصی به منظور پیشگیری از ارتکاب جرایم جنسی حدی نیز، مد نظر قرار داده که از این جهت در خور ستایش است. اما در مقابل، نشانه‌های کوچکی از اعمال مجازات و جرم‌انگاری نوین در خصوص بسیاری جرایم جنسی که در قوانین سایر کشورها در نظر گرفته شده و در جامعه ما نیز ارتکاب می‌یابد، به چشم می‌خورد؛ این در حالی است که مقنن، در مورد شماری از جرایم جنسی مطرح در قانون مجازات اسلامی و معدود قوانین دیگر، علاوه بر نارسایی و ابهام، پراکنده‌گویی، کلی‌گویی و عدم تعریف مناسب در مورد هر یک از آنان، باعث نقصان در دامنه جرم‌انگاری منافات عفت گردیده است. از سوی دیگر، قضات محاکم با در نظر گرفتن اصل ۱۶۷ قانون اساسی، مجاز به مراجعه به منابع فقهی برای یافتن سایر مصادیق جرایم جنسی و یافتن مجازات تعزیری متناسب با آن می‌باشند که در بسیاری از موارد، علاوه بر عدم دسترسی به آن، در برخورد با مرتکبان جرایم مزبور، روند واحد و یکسان نداشته و این مسائل باعث صدور آراء متناقض و متعارض در مورد موضوعات مشابه گردیده است که امکان دستیابی به رویه ثابت قضایی در برخورد با این جرایم را نیز عملاً غیرممکن می‌سازد. همانطور که سابقاً نیز بیان شد بین جرایم جنسی و انحرافات جنسی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و اولین مقوله‌ای که در زمینه‌ای جرایم جنسی به ذهن متبادر می‌شود بحث ریشه‌یابی و علل وقوع اینگونه جرایم است و بدون تعیین علت وقوع، پیشگیری و اصلاح عقیم خواهد ماند از این رو نگارنده عقیده دارد به لحاظ ماهیت اینگونه جرایم حتی کوچکترین انحراف در این حوزه نیز باید با نگاه اصلاح و درمان و حتی اعمال کیفر بسته به نوع ظرفیت نگریده شود و هرگونه سهل‌انگاری امر پیشگیری و اصلاح و درمان را حتی با وجود کیفر ناکارآمد می‌نماید. بر این اساس نتیجه این است که قوانین موجود در



زمینه جرایم و انحرافات جنسی در قوانین سابق و حتی در قانون جدید مجازات اسلامی نخواهد توانست با این ابزارهای سنتی که پیش روی دارد کنترل شایسته‌ای را در زمینه جرایم و انحرافات جنسی باعث می‌شود و مستلزم بازنگری اساسی و دیدی واقع‌بینانه در این خصوص است که در ادامه پیشنهاداتی در این خصوص ارائه می‌گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



منابع و ماخذ

- ابهری، مجید؛ بررسی معضل روسپی‌گری در گفتگو با دکتر مجید ابهری، کتاب زنان، سال ۶، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۲.
- اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آن‌ها حمزه زینالی فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۱۳، ۱۳۸۴.
- حر عاملی، شیخ محمد حسن، وسائل الشیعه، جلد هجدهم، چاپ پنجم، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۱ ه.ق.
- حکمت سعید: روان پزشکی کیفری، تهران، انتشارات گوتنبرگ، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- دیانی عبدالرسول: حقوق مدنی خانواده «ازدواج و انحلال آن»، تهران: انتشارات امید دانش، چاپ اول.
- رفیع پور، فرامرز، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش، ۱۳۷۸ قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم، مؤسسه ی در راه حق، ۱۳۷۴.
- محمودی، فیروز، مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- مروارید، علی اصغر: «سلسله‌الینابیع الفقهیة»، لبنان، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۰ ج ۲۲.
- مروری بر پدیده روسپی‌گری، گزارش مرکز امور مشارکت زنان به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۸۱.
- مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، چاپ نهم.
- موسوی مصطفوی خمینی سیدروح‌الله، تحریرالوسیله. ج. ۲. قم: مؤسسه، مطبوعات دارالعلم.



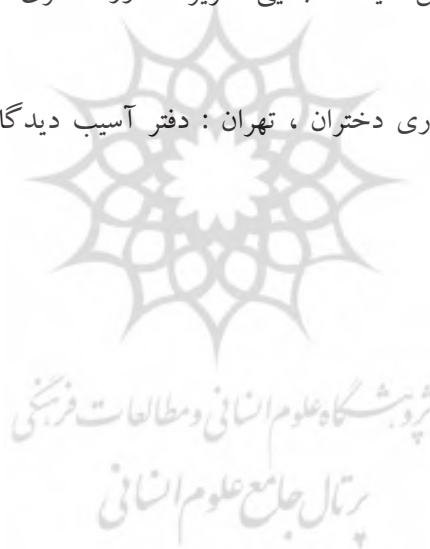
میرمحمد صادقی حسین. حقوق کیفری اختصاصی (علیه امنیت و اسایش عمومی). تهران. نشر میزان. چاپ چهارم. ۱۳۸۳.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، (دیباچه)، کریستین لازرژ، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۳.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم شناسی (سیاست جنایی و تکنیک های حقوق کیفری)، تقریرات دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال تحصیلی ۸۴-۸۳.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، تقریرات دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم تحصیلی ۷۹-۷۸.

اسد بیگی ، حسین ، بزهدکاری دختران ، تهران : دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور ، ۱۳۸۱.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی